روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۱۸ رمضان ۱۴۴۱ • ۱۲ می ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۱۸ • ۱۶صفحه • ۵۰۰۰ تومان

وزیر صمت عصر دیروز برکنار شد

عزل غیرمنتظره

گروه اقتصاد: رضا رحمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت (صمت) در حالی که صبح کاری خود را در ستاد تنظیم بازار گذرانده بود، کمی بعد از قرائت گزارش کمیسیون اصل ۹۰ از تخلفات صنایع خودروسازی و دیدار با رئیس قوه قضائیه...

صفحه ۴

محمدعلی وکیلی در نطق میان‌دستور:

تهدیدپذیر نبودیم

گروه سیاست: محمدعلی وکیلی، نماینده تهران و عضو فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی روز گذشته مجلس شورای اسلامی در نطق میان‌دستور خود گفت: «با زبان روزه به مردم تهران می‌گویم که بر عهدی که...

صفحه ۳

کارشناسان نبود ساختار حقوقی صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله (ETF) را مطرح می‌کنند

ظهور ضلع پنجم در اقتصاد ایران

صفحه ۵

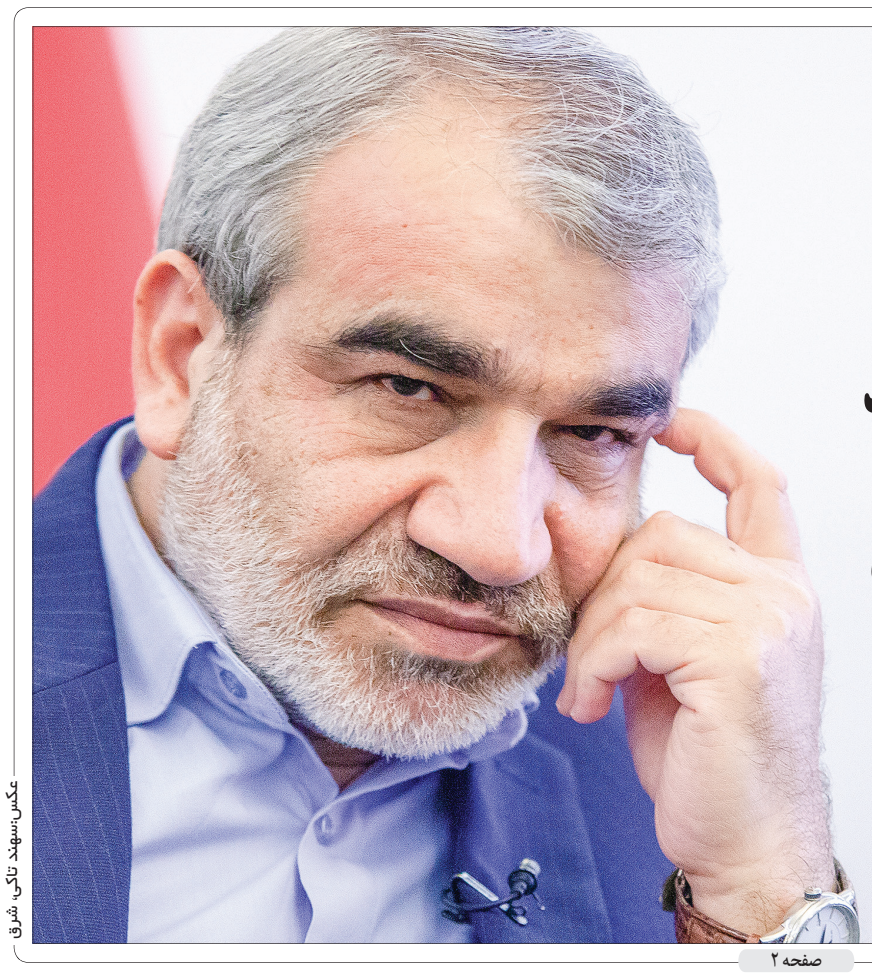

عکس: سهند تاکی، شرق

سخنگوی شورای نگهبان در گفت‌وگو با «شرق»:

از کینه رد صلاحیت قانون تصویب می‌کنند

- آقای مطهری وقتی آمد گفت من اصلا درخواست نکرده بودم اما اعضا گفتند تمام افرادی که صلاحیتشان تأیید نمی‌شود حتما دعوت شوند
- در ارتباط با همه افراد بحث نظارت استصوابی حاکم است؛ از گذشته آقایان تا زمان تصویب اعتبارنامه‌ها

صفحه ۲

تیتر دو

اشتباهات اساسی در محاسبه حقوق مجلسی‌ها

پاسخ اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس به گزارش روزنامه «شرق»

صفحه ۷

تیترها

جزئیات شهادت ۱۹ نفر در حادثه ناوچه کنارک

صفحه ۱۱

گفت‌وگو با رئیس سازمان ملی استاندارد

جلوی صادرات بسیاری از محموله‌های نفتی را گرفتیم

صفحه ۸

دیگر کسی به پژمان نمی‌خندد

صفحه ۱۴

پاسخ وکیل ۱۰ خانواده معترض خدمه سانچی

لطفا عکس واقعی منتشر کنید

صفحه ۴

سرمقاله

با پدیده غضنفریسم چه کنیم؟

سیدمصطفی هاشمی‌طبا

ضرب‌المثل «مارادونا را ول کن غضنفر را بچسب» را همه شنیده‌ایم و البته به‌ویژه در فوتبال این ضرب‌المثل مصداق‌های بسیار نادری دارد که گاهی رخ می‌نماید؛ اما به نظر می‌رسد در کشور ما مصادیق این ضرب‌المثل بسیار دیده شده و گاه رخ خود را نشان می‌دهد و آرام‌آرام به‌عنوان یک مکتب در مقابل مکتب‌های متعدد و احیانا نوظهور مثل امپریالیسم، مارکسیسم، نیهیلیسم، ماتریالیسم، ناسیونالیسم و آنارشیسم قد علم می‌کند و شیوه مرضیه‌ای در کنش‌ها و واکنش‌های جامعه می‌شود.مارادوناهای جمهوری اسلامی ایران حسب آنچه واضح است امپریالیسم (آمریکا و اذناب آن) صهیونیسم و وهابیسم هستند که چنگال‌های خود را بی‌هیچ سانسوری نشان می‌دهند و البته تیغه دیگر قیچی امپریالیسم به قول شهید مطهری که کمونیسم است در کمین و به‌صورت نهان و آشکار مشغول دشمنی و توطئه و براندازی است و نیز دیگرانی که اگر دستشان برسد جمهوری اسلامی را مستفیض محبت‌های مشابه آن مثلث می‌کنند. اگر نیک بنگریم و واقع‌گرا باشیم دشمنی این مارادوناها بسیار طبیعی است و اگر دشمنی نکنند، جای سؤال دارد و آنچه غیرطبیعی است، ابراز وجود غضنفری برخی افراد است و نیز آنان که می‌خواهند در منکوب‌کردن افراد یا جریاناتی این نقش را بازی کنند.جمهوری اسلامی از ۴۰ سال پیش از میان حوادث متعددی گذر کرده است و توانسته نقش تعیین‌کننده در منطقه را بر عهده بگیرد و البته این نقش گران به‌سادگی به دست نیامده است. شهادت‌ها، اسارت‌ها، جانبازی‌ها و محرومیت‌ها این درخت را آبیاری کرده است و هم‌اینک نیز با وجود تحریم سنگین آمریکا و همکاران اجباری یا اختیاری آن در سراسر دنیا سرفرازانه در میان بحران ایستاده است. نگوییم بحران نیست و نگوییم قطع‌نامه و تحریم کاغذپاره هستند، بلکه واقعیات را باید درک و حسب آن برنامه‌ریزی کنیم. بحران‌آفرینی جدید در هنگامه بحران‌ها همان غضنفریسم است که یک نمونه از آن در حال بارگیری است. هرچند از ابتدای انقلاب به‌جز دورانی اندک سیاست‌های لیبرالیستی (نه به‌معنای عقیدتی بلکه به‌معنای تقلیدی و سودجویانه) بر اقتصاد کشور و الگوی زندگی مردم حاکم بوده و کم‌وبیش مونیتاریسم (اصالت سیاست‌های پولی) در سیاست‌های لیبرالیستی نقش بازی کرده است؛ اما اینک می‌بینیم که اصالت معتقدان به سیاست‌های پولی در میان همه مشکلات اقتصادی یعنی تحریم‌ها، قطع روابط بین‌المللی بانکی، تورم فزاینده، مشکلات صادرات نفت و دیگر کالاها، بالارفتن خط فقر، باقی‌ماندن محرومیت‌های محرومان و دیگر مشکلات فزاینده و تهدیدکننده از جمله بیماری ویروس کرونا ناگهان به خود آمده و حلال مشکلات را مانند فیثاغورث یافته و به ما دل خوش کرده‌اند. شاید هم یک نتیجه قیاسی از رابطه ریاضی «منفی در منفی می‌شود مثبت» گرفته‌اند و گفته‌اند که حاصل ضرب یک منفی (بحران حذف چهار صفر) در یک منفی یعنی بحران‌های موجود می‌شود مثبت. برای آنکه یک‌سویه قضاوت نکنیم، نمونه‌های دیگر غضنفریسم را می‌آوریم. از ده‌ها سال قبل و از زمان قبل از انقلاب که افرادی مثل مرحوم مهندس معین‌فر در کشور زلزله‌شناس بودند، روشن کردند که ایران کشور زلزله‌خیزی است و به‌ویژه اعلام کردند که دو گسل زلزله در شمال تهران و در جنوب تهران وجود دارد که اگر فعال شود، در شمال تهران از دو طرف ۱۵۰ متر و در جنوب از دو طرف ۵۰۰ متر را در خود فرومی‌کشد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

ویروس معالج؛ رفرمی برای برنامه‌ریزی!

امیر ثامنی
کارشناس برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین

این روزها همه از کرونا می‌گویند؛ پزشکان از شیوه‌های انتشار و درمان و کشف واکسن آن، سیاسیون از ادعاهای مطرح‌شده درباره منشأ طبیعی یا انسان‌ساخت‌بودن این ویروس، اقتصاددانان از پیامدها و آثار زیان‌بار کرونا بر اقتصاد کشورها و تحول در نظام تولید و بازار، جامعه‌شناسان از تغییرات سبک زندگی و تأثیرات آن بر نحوه زیست آتی بشر، فعالان محیط زیست از ایجاد فرصتی برای تنفس اکوسیستم‌های طبیعی در برابر فعالیت‌های آلاینده و مخرب بشری، فعالان حوزه فناوری اطلاعات و کسب‌وکار نیز از تحول در رویکردهای سنتی و پررنگ‌ترشدن نقش فضای مجازی و استارت‌آپ‌ها در شکل‌دهی به جهان پساکرونا و مردم عادی نیز از اختلال در جریان زندگی عادی، تبعات زیان‌بار اقتصادی و نقد سیاست‌گذاری مسئولان سخن می‌گویند. غالب این قلم‌فرسایی‌ها و سخن‌پراکنی‌ها یا متمرکز بر تهدیدها و سویه‌های زیان‌بار شیوع این ویروس بوده یا به تخیلات و واقعیات جهان پساکرونا اشاره کرده و کمتر در این سخنان به سویه‌های در سایه این وضعیت اعم از فرصت‌های فراهم‌آمده پرداخته شده است. تاریخ گواه آن است که اگرچه ثروت و تیزهوشی خانواده مدیچی، رنسانس در اروپا و سپس تحول در جهان را رقم زد، ولی این شیوع گسترده طاعون و بی‌اعتبارشدن بسیاری از باورهای جزم‌اندیشانه و ارتجاعی بود که پایه‌های استیلای کلیسا و خرافه‌پرستی را سست کرد. ازاین‌رو بنا به قرینه تاریخی مذکور، می‌توان از فرصت شیوع این ویروس عالم‌گیر به‌عنوان کاتالیزوری برای حل و برون‌رفت از بسیاری از ناکارآمدی‌ها و بحران‌ها بهره گرفت. یکی از حوزه‌هایی که ناکارآمدی و انعطاف‌ناپذیری آن در برابر رخدادها و سوانح غیرمترقبه بار دیگر مشخص شد، حوزه برنامه‌ریزی (Planning) است. روایت برنامه‌ریزی در ایران اعم از داستان ورود، اهداف، سیر تحول و تطور و نیز آرمان‌ها، ارزش‌ها، رویکردها و الگوهای برنامه‌ریزی، داستانی متفاوت با جهان دارد. اساسا اگر برنامه‌ریزی در غرب با آرمان‌شهرگرایی دوره رنسانس آغاز شد و در ادامه تبلور ذهنی و عینی ارزش‌ها، خواست‌ها و انتظارات ملت‌ها و دولت‌ها حول تعریف «آرمان ملی مشترک» و «منافع عمومی» مورد اجماع بوده است، در ایران گرفتار به تضاد تاریخی دولت- ملت، «برنامه‌ریزی» ابزاری برای توجیه و مشروعیت‌بخشی به تصمیم‌های مدیران، نمایش مشارکت صوری (برای شریک‌جرم‌کردن همگان در نتایج) و تداوم حکمرانی با بَرَک «علم‌مداری» بوده است. برنامه‌ریزی در ایران نه مبنایی برای سیاست‌گذاری و چارچوبی برای جهت‌دهی به تصمیم‌ها، بلکه تنها مثنوی هفتاد من کاغذی بوده است مشحون از تئوری‌ها، مدل‌ها، نقشه‌ها، نمودارها و جدول‌ها، آن‌هم فقط در نقش جاده‌صاف‌کنِ اِعمال خواست مدیران! بله برنامه‌ریزی در ایران نه در پی دانش‌افزایی و ارتقای فهم و درک از پدیده‌ها و موضوعات بلکه فقط یک کاغذبازی و رژه عقلانیت ادکلن‌زده در برابر افکار عمومی و رسانه‌ها بوده است. شاهد آنکه نتایج بررسی‌ها حکایت از آن دارد که در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله حداکثر ۳۰ درصد و در طرح‌های شهری حداکثر ۲۰ درصد از اهداف و نتایج مدنظر محقق شده است. اساسا چه آن مدیر و مسئولی که سفارش تدوین برنامه را می‌دهد، چه آن شرکت یا مجموعه‌ای که عهده‌دار تنظیم برنامه می‌شود و چه تمامی کارشناسان و ناظران و دست‌اندرکاران، این رسم مألوف نانوشته را پچ‌پچ‌کنان یا بلندبلند فریاد می‌زنند: قرار نیست تمام این برنامه اجرا شود؛ بنابراین برنامه‌ها تبدیل می‌شوند به کشکولی از رؤیاهای محال و هزاران راه رفته و نرفته!

برنامه‌ریزی، مانند بسیاری از علوم دیگر، دارای دو ساحت اصلی است؛ ساحت «نظری» و ساحت «عملی». در ساحت نظری، این دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشکده‌ها هستند که بار آموزش و محتواسازی در حوزه دانش پایه را بر عهده دارند و در ساحت عملی نیز این مراکز دولتی، عمومی و خصوصی هستند که تدوین و اجرای برنامه‌ها را عهده‌دار هستند. بااین‌حال به سبب نبود هم‌پیوندی میان این دو ساحت، علم برنامه‌ریزی در ایران مشروعیت خویش را از ساحت عملی اخذ نکرده و به‌طورکلی نسبت به دردها، اولویت‌ها و انتظارات آن بی‌تفاوت است؛ بنابراین زایایی، پویایی، توان حل مسئله و پاسخ‌گویی علم برنامه‌ریزی در ایران بسیار پایین بوده و عملا اکوسیستم زیست علمی دانشجویان و استادان دانشگاه با مدیران و حرفه‌مندان متفاوت است؛ در دانشگاه‌ها رقابت بر سر دوختن مقاله برای معرفی یک مدل جدید و انتشار پی‌درپی مقالات و کتاب‌ها و در کانون‌های حرفه‌ای و مراکز اداری، سروکله‌زدن با انبوهی از مشکلات، نارسایی‌ها و پیدانکردن سرکلاف مسائل!

ماجرای شیوع کرونا و بی‌دفاع‌ماندن شهر برنامه‌ریزی در برابر این ویروس، بار دیگر ضرورت تحقق رفرم (Reform) در برنامه‌ریزی را که از دهه ۱۹۸۰ با زیرسؤال‌رفتن بسیاری از باورهای پیشینی و درک ناکارآمدی دستگاه برنامه‌ریزی در عبور از مشکلات، عیان شده بود، بیش از پیش نمایان کرد. برنامه‌ریزی در ایران به سبب عقب‌افتادگی تاریخی سازوکارها و ترتیبات اجرائی آن از تحولات جهانی، بیش از هر کشوری نیازمند تغییر و نوزایی است؛ بنابراین می‌توان از فرصت پیش‌آمده به نحوی استفاده کرد که نظام برنامه‌ریزی را با عنایت به واقعیت‌های زیر دستخوش اصلاح کرد:

* ناکارایی شیوه برنامه‌ریزی کاغذبازانه، ایستا و غیرمنعطف در ایران سال‌هاست بر همگان آشکار شده ولی به سبب وجود منافع آشکار و پنهان برای هر دو سوی معامله، این واقعیت در زیر فرش حکمرانی پنهان شده است! ازهمین‌رو با توجه به تکثر و تنوع عدم قطعیت‌ها و رخدادها که ویژگی خاص قرن حاضر به شمار می‌آید، باید سازوکار «برنامه‌ریزی غلتان» را به‌منظور جلوگیری از خنثی و غیرمسلح‌شدن برنامه‌ریزی نهادینه کرد.

* ترسیم و تفاهم بر سر ایده و آرمان ملی مورد اجماع، تعریف دقیق حدود و ثغور منافع عمومی (Public Interest) و مفاهمه همگانی درباره «چه می‌خواهیم» و «چه نمی‌خواهیم» تضمین‌کننده حرکت قطار برنامه‌ریزی روی ریل‌های موفقیت خواهد بود.

ادامه در صفحه ۲

حرف اول

صنعت، کشاورزی و هویت زاینده‌رود

مهدی فصیحی‌هرندی

اخیرا در اوج زمان پرکاری کشاورزان، اعتراضات و تجمعات جدیدی در زمینه‌های مرتبط با مدیریت زاینده‌رود در اصفهان شکل گرفت. اعتراضات بعد از عدم تمدید قرارداد صنف کشاورزی در ساماندهی رودخانه زاینده‌رود توسط وزارت نیرو اتفاق افتاد. وزارت نیرو دلیل آن را ایرادات سازمان بازرسی کل کشور و عدم شفافیت صنف در هزینه‌های قرارداد عنوان کرده است. از دید صنف کشاورزی اصفهان مصوبه جلسه سیزدهم شورای عالی آب فصل‌الخطاب است و علاوه بر این به موضوعات دیگر نیز اعتراض دارد. مسائلی مانند تغییر خط مرزی استان اصفهان و چهارمحال‌وبختیاری، حذف صنف کشاورزی از تصمیم‌گیری حوضه به دلیل حذف شورای هماهنگی حوضه آبریز در نظام‌نامه جدید احیای زاینده‌رود از آن جمله است.علاوه بر این موارد هنوز بسیاری عامل اصلی خشک‌شدن زاینده‌رود را وجود صنایع در اصفهان می‌دانند و این نشان می‌دهد زمینه برای دامن‌زدن به این تعارض و مغلوب شدن صنعت در مقابل زاینده‌رود کاملا فراهم است. تنش‌های فزاینده بین آب‌بران و صنعت در زمینه‌هایی مانند آب‌گیری مستقیم از چاه‌های حریمی رودخانه و لوله‌گذاری و همچنین مرافعه بر سر پساب فاضلاب شهرها مدت‌هاست در حال وقوع است.

ادامه در صفحه ۲

همکار گرامی سرکار خانم وحیده کریمی
مصیبت وارده را به شما
و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند
سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما
و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزومندیم.
روزنامه شرق

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR